



شبهات‌های مصیبت امام حسین (ع) و حضرت یحیی (ع)

هنگامی که حضرت زکریا از ماجرای امام حسین (ع) آگاهی یافت از عبادتگاه خود سه روز جدا نشد و گریه و ندبه و ناله خود را آغاز کرد و به خدای سبحان چنین گفت: بار الها! آیا فاجعه و مصیبتی را بر بهترین خلق خودت - به واسطه فرزندش - روا می‌داری؟!

خبرگزاری مهر: هنگامی که حضرت زکریا از ماجرای امام حسین (ع) آگاهی یافت از عبادتگاه خود سه روز جدا نشد و گریه و ندبه و ناله خود را آغاز کرد و به خدای سبحان چنین گفت: بار الها! آیا فاجعه و مصیبتی را بر بهترین خلق خودت - به واسطه فرزندش - روا می‌داری؟!

به گزارش خبرنگار مهر، سعد ابن عبدالله قمی از بزرگان و محدثان شیعه همراه احمد ابن اسحاق قمی (وکیل امام حسن عسکری علیه‌السلام) برای طرح برخی از پرسش‌ها به محضر امام حسن عسکری (ع) شرفیاب می‌شوند.

سعد جریان دیدارش با امام حسن عسکری (ع) را چنین توصیف می‌کند: هنگامی که محضر امام یازدهم رسیدیم، پرسش را مطرح کردم! امام عسکری (ع) به فرزندش اشاره نمود و فرمود: "از نور چشم سؤال کن!" در این لحظه آن کودک خطاب به من فرمود: هر چه می‌خواهی بپرس!

قلت فأخبرني يا ابن رسول الله (ص) عن تأويل (كهيعص) قال: هذا الحروف من انباء الغيب؛ اطلع الله عليها عبده زكريا، ثم قصها على محمد و ذلك انّ زكريا سأل ربّه ان يعلمه أسماء الخمسة فأهبط عليه جبرئيل فعلمه اياها، فكان زكريا اذا ذكر محمداً و علياً و فاطمه و الحسن و الحسين سرى عنه همّة، وانجلي كربه و اذا ذكرالحسين خنقته العبره و وقعت عليه البهره.

پرسیدم: منظور از "كهيعص" (از حروف مقطعه قرآن) چیست؟

امام زمان (عج) فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند بنده [و پیامبر] خود حضرت زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد (ص) بازگو کرده است. داستان از این قرار است که زکریا (ع) از خداوند خواست تا نام‌های پنج تن [آل عبا] را به او بیاموزد. خداوند متعال جبرئیل را به سوی او فرستاد و آن نام‌ها را به او یاد داد.

حضرت زکریا چون [نام‌های مقدس] محمد (ص) و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام را بر زبان می‌آورد، اندوه و گرفتاریش برطرف می‌شد و هنگامی که نام "حسین" را می‌برد، بغض گلویش را می‌فشرد و مبهوت می‌شد.

فقال: ذات يوم يا الهی! ما بالی اذا ذكرت اربعاً منهم تسليت بأسمائهم من همومي، و اذا ذكرت الحسين تدمع عيني و تثور زفرتي؟ فابأ الله تعالى عن قصته، و قال: (كهيعص) "فالكاف" اسم كربلا و "الها" هلاك العترة، و "الباء" يزيد، و هو ظالم الحسين و "العين" عطشه. و "الصاد" صبره.

حضرت زکریا گفت: بار الها! چرا وقتی که آن چهار نفر را یاد می‌کنم آرامش پیدا می‌کنم و نگرانی‌هایم برطرف می‌شود و هنگامی که نام حسین (ع) را می‌برم اشکم جاری و فریادم بلند می‌شود؟!

تفسیر که‌یعص

خداوند سبحان او را از داستان حسین (ع) آگاه کرد و فرمود: "كهيعص".

پس "کاف" نام کربلا است. "هـاء" رمز هلاکت عترت است و "یاء" کنایه از نام یزید که جفاکننده نسبت به حسین (ع) است و "عین" اشاره به عطش و تشنگی او دارد و "صاد" نشانه صبر و شکیبایی امام حسین (ع) است.

فلما سمع ذلك زكريا لم يفارق مسجده ثلاثه ايام و منع فيها الناس من الدخول عليه و أقبل على البكاء و النحيب و كانت ندبته "الهي اتفجع خير خلقك بولده، الهي اتنزل بلوى هذه الرزیه بفنائہ، الهي اتلبس علياً و فاطمه ثياب هذه المصيبة، الهي اتحلّ كربه هذه الفجيعة ساحتها؟! ثمّ كان يقول: اللهم ارزقني ولداً تقرّبہ عيني على الكبر، و اجعله وارثاً وصياً، واجعل محله متى محلّ الحسين، فاذا رزقته فافتتني بحبه، ثمّ فجّعتني به كما تفجّع محمداً حبيبك بولده"

فرزقه الله يحيى و فجّعه به و كان حمل يحيى سته اشهر و حمل الحسين كذلك ...

گریه حضرت زکریا بر مصیبت امام حسین(ع)

پس هنگامی که حضرت زکریا از ماجرای امام حسین(ع) آگاهی یافت، از عبادتگاه خود سه روز جدا نشد و ملاقات‌های خود با مردم را در این مدت قطع و گریه و ندبه و ناله خود را آغاز کرد و به خدای سبحان چنین گفت: بار الها! آیا فاجعه و مصیبتی را بر بهترین خلق خودت - به واسطه فرزندش - روا می‌داری؟!

معبودا! آیا نازل می‌کنی این مصیبت دردناک را برای امتحان اهل بیت(ع)؟!

پروردگارا! آیا با این مصیبت، علی و فاطمه را لباس عزا می‌پوشانی؟!

خدایا! آیا سختی این فاجعه را بر ساحت مقدس علی و فاطمه وارد می‌کنی؟!

سپس در ادامه می‌گوید: اللهم ارزقني ولداً تقربه عيني على الكبر، واجعله وارثاً وصيًّا، اجعل محله متى محلّ الحسين، فاذا رزقته فافتتني بحبه، ثم فجّعتني به كما تفجّع محمدًا حبيبك بولده فرزقه الله يحيى و فجّعه به. و كان حمل يحيى سته اشهر و حمل الحسين كذلك.

خدایا! فرزندی به من بده که در ایام پیری و کهنسالی نور چشم و وارث و جانشین من باشد. و مکان و منزلت او را مثل حسین قرار بده برای من. پس هنگامی که چنین فرزندی به من عطا کنی، مرا به محبت او بیازما، سپس فاجعه و مصیبت دردناکی را که بر دوست خودت محمد(ص) به وسیله فرزندش روا داشتی، برای من نیز همان [غم عظیم] و حادثه ناگوار را روا بدار.

و خداوند حضرت یحیی را به حضرت زکریا داد و او را با مصیبت دردناک آزمود. (کمال‌الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تصحیح و تحقیق استاد اکبر غفاری، ص 488، چاپ جامعه مدرسین قم، سال 1422 هـ. ق)

و همان‌گونه که حضرت امام حسین(ع) شش ماهه به دنیا آمد، حضرت یحیی نیز مدت حملش شش ماهه بود... [و همانطور که سر امام حسین(ع) را از تن جدا کردند سر حضرت یحیی را نیز از بدن جدا کردند و همانطور که سر امام حسین(ع) در مسجد اموی شهر دمشق در سوره حاضر کردند و یزید چوب به لب و دندان امام زد، سر حضرت یحیی را در همان مسجد دفن کردند].

شخصیت راوی حدیث، سعد ابن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی

ابوالقاسم، شیخ الطائفه و فقیه و شخصیت برجسته شیعه است که حدیث عامه را نیز بسیار شنیده است و در فراگیری علم و طلب حدیث سفرها کرده، و از نزدیک چهره‌های محدثان اهل سنت، همچون حسن بن عرفه، محمد بن عبدالملک دققی، ابوحاتم رازی و... را مشاهده و با آنان ملاقات داشته است.

این محدث شهیر به محضر امام عسکری(ع) نیز شرفیاب شده و جمال مبارک حضرت بقیه‌الله(عج) را هم از نزدیک رؤیت کرده است و پاسخ پرسش‌های علمی خود را - از جمله تفسیر "کهیص" را از امام زمان شنیده است.

سعد ابن عبدالله قمی دارای آثار گرانسنگی از جمله کتاب الرحمه (این کتاب مشتمل بر ابواب بسیاری در فقه است که شیخ صدوق آن را از کتاب‌های مورد اعتماد و مرجع دانسته است، کتاب الضیاء (این کتاب پیرامون امامت است)، کتاب مقالات الامامیه، کتاب مناقب رواه الحدیث، کتاب الرد علی المجبّره، کتاب بصائر الدرجات (این کتاب به صورت مختصر بارها چاپ و منتشر شده است)، کتاب فضل عبدالله و عبدالمطلب و ابی‌طالب، کتاب المنتخبات، کتاب المزار و... است.

علامه مجلسی در مجلد 92 و 40 بحارالانوار، رساله انواع آیات القرآن سعد ابن عبدالله را مندرج کرده است و نظر مرحوم آیت‌الله العظمی خویی این است که سعد ابن عبدالله را در سند هزار و 142 حدیث قرار دارد. (دایره المعارف تشیع، جلد 9، ص 164، جامع الرواه / ج 1، ص 355).

عباس رفیعی‌پور علویجه